

۷ هزار و ۴۵۱ میلیارد ریال واگذار گردیده که ۹۹/۴ درصد آن به صورت یکجا و بلوکی بوده است.

سازمان خصوصی سازی به طور خاص در سال گذشته، ۹۲ شرکت دولتی، شامل ۱۷ شرکت زیرمجموعه سازمان خصوصی سازی و ۷۵ شرکت زیرمجموعه سایر شرکت های مادر تخصصی، چون ساتکاب، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای، خدمات کشاورزی، توانیر و شرکت ملی صنایع پتروشیمی را به روش های بورس و مزایده به بخش خصوصی واگذار نموده که در روش بورس، ۱۵ درصد واگذاری ها به شیوه تدریجی و ۷ درصد به روش ترجیحی به کارکنان و مدیران شرکت های تحت واگذاری صورت گرفته است. مابقی سهام که ۷۸ درصد می باشد به صورت بلوکی و به روش مزایده های عمومی در بورس واگذار شده است. به علاوه از مجموع ۹۲ شرکت واگذار شده در سال ۸۶، سهام ۵۸ شرکت به میزان ۳۵ درصد تعداد سهام و ۲۰ درصد ارزش واگذاری ها، به روش مزایده بوده که ۹۹/۴ درصد ارزش این روش واگذاری ها، به شیوه بلوکی و ۰/۶ درصد به صورت تدریجی (کارکنان و مدیران شرکت های مورد واگذاری) صورت پذیرفته است.

قضایات عملکرد

با دقت در میزان وصولی های خزانه و ارزش واگذاری های سازمان خصوصی سازی، می توان به تفکیک این دو مقوله پرداخته و در مورد میزان تحقق اهداف درآمدی بودجه و عملکرد واگذاری های سازمان خصوصی سازی قضایات کرد. مطابق ارقام و آمار منتشره سازمان خصوصی سازی، میزان تحقق درآمدهای ناشی از خصوصی سازی بر اساس وصولی های خزانه، ۲۶/۸ درصد و بر اساس ارزش واگذاری های سازمان ۹۰۲ درصد می باشد. مطابق پیش بینی های بودجه ای درآمدهای ناشی از واگذاری ها برای سال ۸۶ که رقم ۳۰ هزار میلیارد ریال ارزش سهام واگذار شده، پیش بینی گردیده بود، ۲۷۰ هزار و ۵۵۱ میلیارد ریال درآمد محقق شده است. وصولی خزانه نیز ۸ هزار و ۵۸ میلیارد ریال می باشد که اختلاف مذکور به دلیل پرداخت های اقساطی ارزش قسمت اعظمی از سهام واگذار شده است که در قالب سهام عدالت و یا بخشی از آن در قالب سهام بلوکی، به صورت اقساطی به بخش خصوصی واگذار گردیده است که درآمدهای مذکور در سال های آتی محقق خواهد شد، همچنین سازمان خصوصی سازی، در ۵ ماهه نخست سال ۸۷، ۵۱ شرکت دولتی را به بخش خصوصی واگذار نموده که ارزشی حدود ۱۰۶ هزار میلیارد ریال داشته است. موضوع قابل بررسی دیگر آن است که روند

خصوصی سازی شرکت های دولتی، با روی کار آمدن دولت نهم به نسبت دولت های قبل سرعت بیشتری به خود گرفته است. به گونه ای که در سال آغازین ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد، کل واگذاری ها به دو روش بورس و مزایده معادل ۷۶۴ میلیارد ریال بوده که این رقم در سال ۸۵ به ۲۷ هزار و ۸ میلیارد

اصل ۴۴ و حجم بزرگ دولت نفتی

دولت کوچک، دولت ارزان

از مشخصات دولت های رانتیر، سلطه گرایی بر تمام ابعاد اجتماع و نگاه ارباب مدارانه به اقتصاد است. اصل ۴۴ مقدمه ای بر اصلاح این نگاه می باشد.

حداقل سازی زیان - در امر تولید و اقتصاد رفتار می نمایند، زمینه رشد و شکوفایی اقتصاد کشور و پیشبرد و تعالی فاکتورهای اقتصادی فراهم آمد که این امر می تواند منجر به توسعه اقتصادی از یک سو و هدایت بودجه ها و هزینه های دولت در کانال های صحیح و اجرای امور مطمئن، در بسترهای آماده جهت رشد و اعتلای کشور گردد.

اهمیت بستر سازی

رتبه اول منطقه در افق ۱۴۰۴ شمسی، هدفی است متعالی که مقام معظم رهبری هوشمندانه با ابلاغ اصل ۴۴ قانون اساسی، زمینه حرکت در مسیر آن را فراهم نمودند. ابلاغیه فوق که به معنای احترام به بخش خصوصی و اصلاح نگاه حاکم بر بحث سرمایه گذاری و سرمایه گذار در کشور می باشد، نیازمند ایجاد شرایط مساعدی است که در زیر به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم.

- ۱) فراهم آوردن بسترهای قانونی مناسب و تدوین قوانین و آیین نامه های جدید، در کنار اصلاح قوانین موجود
- ۲) تقویت بازار سرمایه کشور و تجهیز و آماده سازی بازار بورس، از حیث ارتقای قابلیت جذب سرمایه و اطلاع رسانی صحیح، در رابطه با روند اجرای فرایند خصوصی سازی در کشور
- ۳) بررسی تحلیل سود و زیان شرکت های در دست واگذاری، فراهم آوردن بسته های تشویقی و ایجاد انگیزه های مناسب ترغیب بخش خصوصی، جهت حضور در عرصه های سرمایه گذاری
- ۴) آماده سازی و تجهیز شرکت های دولتی عقب مانده و زیان ده، جهت همپایی و اعلام موجودیت در عرصه رقابتی
- ۵) افزایش نسبی ظرفیت های بخش خصوصی و تعاونی و ظرفیت سازی در بخش های مذکور، به واسطه تقویت نقاط مثبت و رفع نقاط ضعف آنها
- ۶) بازتعریف زمان بندی اجرای طرح های خصوصی سازی و رعایت تناسب اجرای این طرح ها با اهداف بلندمدت و میان مدت توسعه کشور

پس از پیروزی انقلاب و با مصادره و ملی شدن بسیاری از شرکت هایی که در دوران گذشته، به طور خصوصی اداره می شدند و با افزایش اتکای بخش دولتی به درآمدهای حاصل از فروش نفت، جهت تضمین توزیع عادلانه رفاه و مطلوبیت در جامعه، روزه روز بر حجم دولت افزوده شد. تأمین مالی دولت، ایجاد اشتغال و زمینه سازی در جهت حمایت از صنایع کشور که خصوصاً در سال های جنگ به شدت آسیب پذیر شده بودند، باعث شد بسیاری از شرکت ها دولتی گردند. این امر منجر به بزرگ شدن دولت و افزایش هزینه های این بخش گردید. این خود باعث بی انضباطی های مالی دولت شد؛ به گونه ای که در بسیاری از مسایل جاری دولت، بی بند و باری های اقتصادی که از پشتوانه منطقی مناسبی برخوردار نبود حاکم شد. افزایش بی رویه بدون توجیه جذب نیروی انسانی، برهم خوردن توازن میان نیروی کار در بخش خصوصی و دولتی، اتکای شرکت های دولتی به منابع بی ضبط و ربط بانکی و حمایت های غیراصولی دولت از روند تولید که منجر به انحصار تولید در دست بخش دولتی و کاهش رقابت و کارایی بخش خصوصی شده بود، همگی از آثار مخرب اقتصاد دولتی پس از انقلاب است. متأسفانه این شرکت ها به اعتبار حمایت های دولتی، از هرگونه ابداع در روش های تولید و حرکت به سمت تولید فن آوری و هدایت تولید در بسترهای علمی و رقابتی به دور ماندند.

این امر نه تنها منجر به ایجاد قدرت مانور ملی، منطقه ای و جهانی نگردید، بلکه بر عکس در امر تولید و صنعت، کشور را به عقب ماندگی و واپس گرایی دچار کرد. شاهد این مدعا، عدم توفیق کشور در بحث صادرات غیرنفتی، در سال های پس از انقلاب است که خوشبختانه راهکار مشکل فوق، با آغاز فرایند خصوصی سازی شرکت های دولتی در سال های اخیر و با رفع موانع قانونی و اهتمام جدی مسئولین و قوای ذیربط، از جمله مجلس و دولت ارایه گردید و زمینه حضور جدی سرمایه گذاران مستقل از دولت که بر اساس مکانیزم های اقتصاد خرد - از طریق حداکثر سازی سود و

سهام عدالت در سبب واگذاری‌های دولت

بستری برای فقرزدایی

به گزارش دولت، تاکنون بیش از ۴۰ میلیون نفر از جمعیت کشور، تحت پوشش سهام عدالت قرار گرفته‌اند.



همواره یکی از مسایل مهم مدنظر همه دولت‌ها و همه کشورهای جهان در حیطه اقتصاد، بحث توزیع درآمدها و کاهش تفاوت‌های درآمدی طبقات مختلف اجتماعی بوده و هست. این مهم که در شرایط مطلوب و ایده‌آل خود، قادر به تضمین بلندمدت رفاه نسبی برای مردم کشور می‌باشد، در تصمیمات سیاست‌گذاران اقتصادی دولت‌های مختلف پس از انقلاب قرار گرفت. تفاوت‌های فاحش درآمدی میان دهک‌های بالا و پایین جامعه که نشان از نابرابری‌های اجتماعی دارد، محرک اصلاحات در شیوه‌های توزیع درآمد و ابداع روش‌های نو و مؤثر در مسیر کاهش نابرابری‌های حاکم می‌باشد. باروی کار آمدن دولت نهم و طرح شعار دولت عدالت محور و پس از صدور ابلاغیه مقام معظم رهبری، در رابطه با کلیات اصل ۴۴ قانون اساسی، زمینه‌ای فراهم شد تا با تعریف ابزارهای جدید، تحت عنوان سهام عدالت و با رویکرد به فقرزدایی از چهره دهک‌های پایین جامعه، اقدامات مؤثری در بهبود توزیع درآمدها در کشور صورت گیرد. این اقدامات، اگرچه خالی از اشکال نبوده و نیست و از برخی با اهداف واقعی خود فاصله دارد، اما می‌تواند زمینه‌ای را برای بررسی‌های بیشتر و راهکارهای مناسب‌تر فراهم آورد.

سهام عدالت به عنوان درصدی از سهام شرکت‌های تحت واگذاری اصل ۴۴ و با شرایط ویژه پرداخت قیمت سهام، همچون تخفیف ۵۰ درصدی و اقساط ۱۰ ساله برای گروه‌های تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی، بهزیستی، بسیجان فاقد شغل و درآمد و روستاییان و عشایر برای دهک‌های اول و دوم، با هدف تأمین سطوح درآمدی پایین، به مرحله اجرا درآمد. به طوری که در سال اول اجرای طرح

شرکت‌های مذکور (۷) پایین بودن کارآیی برخی از این شرکت‌ها نسبت به استانداردهای جهانی (۸) حجم بالا و غیراصولی نیروی انسانی (۹) حاکمیت ساختار غیرشرکتی (۱۰) سیاست‌های پولی و مالی ناهماهنگ و عدم اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی واحد (۱۱) ریسک‌های سیستماتیک داخلی و خارجی. رفع موانع فوق می‌تواند ضریب جذب سرمایه را در اقتصاد افزایش داده و با ورود بخش خصوصی در مالکیت شرکت‌های تحت واگذاری و افزایش تعهد و دلسوزی نسبت به اموال شرکت‌ها، از بسیاری از زیان‌های اقتصادی این شرکت‌ها جلوگیری کند. موضوع دیگری که لازم است پیش از واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، مورد توجه قرار گیرد این است که هدف از واگذاری‌ها، بهبود شرایط اقتصادی جامعه و شکوفایی در حیطه اقتصاد، به واسطه مشارکت مردم در امور اقتصادی است، نه نفس خصوصی‌سازی. این مهم می‌طلبد که واگذاری‌ها در شرایطی صورت گیرد که با یک بخش خصوصی قوی و کارآمد مواجه باشیم و در صورتی که بخش خصوصی موجود، خود با انواع مشکلات دست به گریبان باشد، نمی‌توان چشم‌انداز روشنی را امید داشت.

نگاهی به وضعیت موجود تولید و صنعت در کشور و سیاست‌هایی که ضربات مهلکی را بر پیکره صنعت کشور وارد نموده و صنعت‌کاران را در یأس و نومی‌دی فرو برده، مبین این حقیقت است که باید بخش خصوصی را با اتخاذ سیاست‌های صحیح، به حضور در میدان امیدوار کرد، چراکه توسعه اقتصاد، به واسطه خصوصی‌سازی درست و اصولی اتفاق خواهد افتاد نه به اقتضای آرایه آمار و ارقام بزرگ. به این منظور اصلاح ساختار شرکت‌های دولتی پیش از واگذاری‌ها و آماده‌سازی آنها جهت پذیرش در بورس، در کنار ورود دولت در مباحث نظارتی به جای تصدّی‌گری، به خصوص در حوزه صنایع مادر از اقداماتی است که باید صورت گیرد.

در فرایند واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی، ممکن است گروه‌هایی هم متحمل خسارت گردند که در این راستا، لازم است دولت نسبت به ایجاد چتر حمایتی از این صنایع اقدام مقتضی به عمل آورد. به عنوان مثال تعدیل نیروی انسانی شاغل، ممکن است به بیکاری گروه‌هایی از کارگران بیانجامد که در این صورت می‌توان با ایجاد شرایط بازنشستگی پیش از موعد و مزایای مربوط به این نوع بازنشستگی، نسبت به رفع این مشکلات اقدام کرد.

به هر حال، سیاست‌های اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی موهبتی است که می‌تواند به کوچک‌سازی حجم اقتصادی و اداری دولت، تقویت بخش تعاونی، تقویت و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری، توزیع عادلانه درآمد و امکانات دولتی بین آحاد جامعه بیانجامد. ■

(۷) ارتقای توان و ظرفیت بخش تعاونی در کشور و ایجاد زمینه‌های مناسب قانونی از پیش تعیین شده، جهت توسعه این بخش از اقتصاد (طبق بندهای الف، ب و ج سیاست‌های اصل ۴۴، تا ۵۰ درصد واگذاری‌ها به بخش تعاون تعلق می‌گیرد)

(۸) اتخاذ سیاست‌های صحیح ضد رانت، در پروسه‌های قیمت‌گذاری سهام شرکت‌های دولتی (۹) طراحی نظام صحیح نظارت بر اجرا و واگذاری سهام، قیمت‌گذاری‌ها، فعالیت و روش‌های فروش سهام (۱۰) اصلاح ساختار تجارت، گمرک، اصلاح نظام قیمت‌های داخلی و گسترش رقابت در بازارهای داخلی و خارجی (۱۱) اصلاح ساختار نیروی انسانی قبل از واگذاری‌ها. در همین راستا، توجه به بحث جذب سرمایه‌های خارجی و رفع مشکلات حاکم بر فضای سرمایه‌گذاری خارجی، از موارد دیگری است که باید به آن پرداخته شود.

مواردی از قبیل تعریف مالکیت خصوصی، تعریف چگونگی ورود و خروج اصل و فرع سرمایه از کشور، رفع محدودیت‌های ارزی، حرکت به سمت فاکتورهای آزادی اقتصادی، بازبینی در قوانین کار و آزادی ورود و خروج نیروی کار، همگی از مواردی است که انگیزه جذب سرمایه‌گذاری خارجی را در بازارهای داخلی در راستای اصل ۴۴ فراهم می‌سازد.

جهادی دیگر

مقام معظم رهبری در بیانات خود، تلاش جهت اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی را نوعی جهاد معرفی فرموده‌اند. این همان جهادی است که دشمنان کشور را در صحنه اقتصاد با شکست مواجه کرده و زمینه انقلاب اقتصادی را فراهم خواهد ساخت. البته باید گفت مسیر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴، مسیری کاملاً هموار نیست، بلکه انواع موانع در این مسیر، همت بلند مسؤولان کشور را می‌طلبد.

به اختصار می‌توان مهمترین موانع موجود در این مسیر را به صورت زیر برشمرد:

- (۱) برخی مقاومت‌های بدنه اجرایی کشور و مدیران دولتی و میان دولتی که آینده اقتصادی و موقعیت خود را در خطر می‌بینند و اختلاف نظر میان مدیران شرکت‌های دولتی، در رابطه با مفید بودن سیاست‌های اصل ۴۴ و فضای عدم اطمینان حاکم بر اذهان این دسته از مدیران
- (۲) محدودیت نقدینگی در بخش خصوصی، جهت تأمین مالی صنایع و شرکت‌های تولیدی
- (۳) ضعف بازار تقاضا و ناتوانی بازار سرمایه، در جذب سهام جدید و اگذار شده توسط دولت
- (۴) حاکمیت برخی بازارهای زودبازده نظیر مسکن و توانمندی این بخش‌ها در جذب سرمایه‌های بازار
- (۵) ضعف قوانین، ناهماهنگی بین قوانین اجرایی مربوط به اصل ۴۴ و تناقض در قانون و مقررات موجود
- (۶) عادت کردن برخی شرکت‌های مورد واگذاری به حمایت‌های دولتی و بی‌اعتمادی به خوداتکایی